

متن پرسش

سلام و عرض ارادت: استاد، من نمیتونم بپذیرم که انقلاب داره رو به جلو حرکت میکنه، الان جمهوری اسلامی به بزرگترین دشمن انقلاب اسلامی تبدیل شده، چرا از این موضوع داره غفلت میشه و داریم شعار میدیم؟ چرا واقع بینی نداریم؟ حجم عظیم فساد، ناکارآمدی، رابطه بازی و بی عدالتی که الان در سیستم اجرایی، قضایی و مقننه ما بوجود اومده کمر انقلاب رو شکسته! این ناکارآمدی باعث شده با تحریم ها زمین بخوریم و خیلی راحت مذاکره با آمریکا رو قبول کنیم! استاد هرچی رو بشه توجیه کرد و شعار داد، وضعیت الان گل و بلبل شنیدن با آمریکا و کری و اشتون رو همیشه توجیه کرد. این صحبت ها رو آقا توی نماز جمعه سال ۷۶ داشتند، با توجه به وضعیت الان، به نظر شما هیچ حرفی باقی میمونه؟! «نماز جمعه بیست و ششم دی ماه سال ۷۶: هدف اینها چیست؟ هدف حکومت آمریکا و دستگاه امپراتوری خبری امریکایی از این حرفها چیست که مرتب می گویند: ایران میخواهد مذاکره کند؟ هدف، چند چیز است: ۱- یکی این که اینها می خواهند آن چیزی را که تا امروز وسیله وحدت ملت ایران بوده است، به وسیله اختلاف ملت ایران تبدیل کنند. تا به حال آحاد ملت ایران به خاطر این که می دانستند دولت آمریکا دشمن آنهاست، در مقابل دشمنی آمریکا، اگر یک وقت اختلافات جزئی هم داشتند، کنار می گذاشتند و متحد می شدند. مقابله با آمریکا، یکی از وسایل وحدت این ملت بوده است. اینها می خواهند با این جنجالها، همین وسیله وحدت را، به وسیله اختلاف تبدیل کنند. این علیه آن، آن علیه این. این بگوید مذاکره، آن بگوید مذاکره چه فایده ای دارد؛ آن یکی بگوید چه ضرری دارد؟ یک عدّه از این طرف بحث کنند، یک عدّه از آن طرف بحث کنند! و اینها هم این وحدت عظیم ملی را که ملت ایران در مقابله با حضور دشمن دارد، به اختلاف ملت ایران تبدیل کنند. ۲- هدف دوم این است که می خواهند با تکرار این قضیه - مذاکره و رابطه با آمریکا - قضیه ای را که در چشم ملت ایران، به دلایلی منطقی، یکی از زشت ترین چیزهاست، قبحش را از بین ببرند. می خواهند قبح این را از بین ببرند؛ مثل کاری که سر قضیه اسرائیل با اعراب کردند. یک روز بود که دولتهای عرب، صحبت کردن با اسرائیل، رابطه با اسرائیل و حتی آوردن اسم اسرائیل را یکی از کارهای بسیار زشت می دانستند. اینها با مطرح کردن و پیش کشیدن این قضیه، آنها را یکی یکی از صفوف ملت عرب خارج کردند و بار بار به گردن او انداختند. بتدریج کاری کردند که قبح این قضیه ریخت؛ حتی دولتهایی که در مرزهای اسرائیل نیستند و هیچ خطر و ضرری هم از اسرائیل نمی بینند، در خانه خودشان نشسته اند و صحبت از مذاکره با اسرائیل می کنند! واقعاً چه لزومی دارد؟ اما می کنند؛ چون قبحش ریخته است. ۳- هدف سوم این است که اصل مذاکره با ایران، برای آمریکا به

عنوان ابرقدرت، بسیار مهم است... ابرقدرت، یعنی آن قدرتی که از همه قدرتهای سیاسی دنیا بالاتر است و می تواند اراده خود را بر آنها تحمیل کند... حال ابرقدرتی با این همه ادعا، با این همه باد و بروت جهانی و سیاسی، یک جا هست که برایش ارزش و اعتبار و احترامی قائل نمی شوند؛ آن یک جا کجاست؟ جمهوری اسلامی ایران. برای آمریکا مهم است که ایران اسلامی که از روز اول به دلایل روشنی در مقابل آمریکا ایستاد و تسلیم آمریکا نشد و گفت که با آمریکا مذاکره نمی کنم، حالا بگویند که بسیار خوب، چشم، ما هم مذاکره می کنیم! می گویند بفرما، ابرقدرتی کامل شد! این منطقه‌ای هم که زیر بار نمی رفت، زیر بار آمد؛ این جا هم عتبه را بوسیدند! بنابراین، صرف مذاکره برایشان خیلی مهم است. ۴- نکته دوم برای این که مذاکره با ایران برای آمریکا اهمیت دارد، این است که حرکت جمهوری اسلامی و ملت ایران موجب شد که احساسات اسلامی در هر گوشه دنیا بیدار شود؛ در آسیا، در آفریقا و حتی در اروپا، مسلمانان با نام اسلام، احساسات اسلامی خودشان را سر دست گیرند و مبارزه‌ای را به نحوی شروع کنند. اگر جمهوری اسلامی با آمریکا پشت میز مذاکره بنشیند، آمریکاییها خیالشان از این جهت راحت می شود؛ به هرجایی در دنیا می گویند: شما برای چه تلاش می کنید؟ شما که مثل ایران نخواهید شد، به پای ایران که نخواهید رسید! هر چه بشوید، یک ملت و یک نظام و آن شکوه و شجاعت را که پیدا نخواهید کرد؛ آنها هم بالاخره مجبور شدند و این جا پای میز مذاکره آمدند؛ شما دیگر چه می گویند؟! یعنی با تسلیم ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران به نشستن پای میز مذاکره با آمریکا، خیال آمریکا از بسیاری از این مبارزات دنیای اسلام آسوده خواهد شد. این سؤال امروز در ذهن بسیاری از مسؤولان کشورهای اسلامی و غیر اسلامی به اصطلاح خودشان جهان سومی وجود دارد و برای دستگاه آمریکا موجب زحمت جدی شده است؛ خارج شدن از حالت تبعیت و تسلیم، به خاطر وجود جمهوری اسلامی، که جمهوری اسلامی هست، هیچ اعتنایی هم به آمریکا نمی کند و آمریکا نمی تواند هیچ کار مهمی با آن انجام دهد. چرا؛ گاهی اوقات هارت و هورت می کنند؛ مثلاً قانون «داماتو» بی می گذرانند، قانون هم بعد از چند ماه به خودی خود منسوخ می شود؛ کار اساسی نمی توانند بکنند. پس، چرا ما خودمان را بیخودی معطل کردیم و اسیر آمریکا شدیم؟ آمریکا در پی یک جواب است؛ باید کاری کند که به آنها این طور تفهیم شود که: «دیدید، این محاصره اقتصادی و همین فشارهایی که ما علیه جمهوری اسلامی به خرج دادیم، بالاخره جمهوری اسلامی را هم خسته کرد و مجبور نمود که او هم بیاید و زانو بزند و از آن پایگاه و از آن گردن برافراشته‌ای که داشت، بناچار پایین آید!». این را به دولتهایی که پیرو و تابعش هستند، تفهیم کند که: «نخیر؛ این طور هم نیست که شما خیال کنید کسی که با ما نباشد، می تواند از آسیب در امان بماند. جمهوری اسلامی هم بالاخره مجبور شد بیاید!» اینها می خواهند با شایعه مذاکره جمهوری اسلامی - که بگویند جمهوری اسلامی تسلیم شد؛ طرف ما آمد و مجبور شد کنار بیاید و با ما مذاکره کند - این طور وانمود کنند که در این مصاف، بالاخره قطب اسلامی شکست خورد و مجبور به عقب‌نشینی شد و قطب استکبار در این مصاف پیروز گردید. بالاخره آمریکا از این که شایع شود جمهوری اسلامی تسلیم شده است تا با آمریکا

مذاکره کند و پشت میز مذاکره بنشیند - یعنی از حرفها و ادعاهای خود نسبت به استکبار دست بردارد - بیشترین استفاده را می کند. آمریکایی ها مستکبرند. آدم مستکبر و دولت مستکبر، دنبال سبز کردن حرف خودش است. بنابراین، این طور نیست که رابطه برای کشور ما فایده ای داشته باشد؛ که اگر رابطه نباشد یا مذاکره نباشد، این مشکلات به وجود خواهد آمد و اگر این مذاکره و رابطه انجام شد، مشکلات از بین خواهد رفت؛ نه. نه امریکا برای ایجاد مشکلات آن چنان دستش باز است و نه رابطه و مذاکره این چنین معجزه گریای برای رفع مشکلات دارد. هیچکدام از اینها نیست؛ بسته به توان ملت است، بسته به عرضه یک حکومت است، بسته به اقتدار و عزت خواهی ماست که بتوانیم در مقابل امریکا بایستیم و برطبق اراده و برطبق مصالح کشورمان اقدام کنیم. رابطه و مذاکره، برای ملت ایران و برای نهضت جهانی مضر است. اولین ضرر این است که آمریکایی ها با ورود در این میدان، این طور تفهیم خواهند کرد که جمهوری اسلامی از همه حرفهای دوران امام و دوران جنگ و دفاع مقدس و دوران انقلاب صرف نظر کرده و گذشته است. اولین چیزی که آمریکاییها ادعا می کنند، این است. اولین مطلبی که در دنیا شایع می کنند، این است که انقلاب اسلامی تمام شد و پایان گرفت؛ کما این که هنوز هیچ چیز نشده، همین حرفها را زمزمه می کنند!»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بنده در این موضوع با شما موافقم که قصد آمریکا در مذاکره با انقلاب اسلامی همین است که جنابعالی و سایر اندیشمندان انقلاب اسلامی متوجه شده اند، ولی عنایت داشته باشید ما در شرایطی بحمدالله هستیم که یقیناً آمریکا را ناکام خواهیم گذاشت و انقلاب اسلامی چهره‌ی دیگری از فرهنگ مقابل با استکبارش را به نمایش می‌گذارد. زیرا انقلاب اسلامی در سر تا سر جهان یک لحظه در دفاع از جریان‌های ضد استکباری کوتاه نیامده، درست در حین مذاکره با آمریکا در تقویت حماسه‌ی یمن نقش خود را بازی می‌کند که حیات خلوت سعودی بود. درست در حین مذاکره تلاش دارد کرانه‌ی باختری را مسلح کند و در قدس انتفاضه‌ی دوم را راه بیندازد. از طرفی ما باید جای این فکر را که مدعی است می‌توان در مذاکره با آمریکا مسائل انقلاب را حل کرد روشن می‌کردیم. فراموش نکنید ما در عین آن که از جهتی نسبت به انقلاب اسلامی در زمان «فانی» زندگی می‌کنیم و هر روز همان طور که در ابتدای سخن فرمودید با انواع ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها روبه‌رویم، نسبت به انقلاب اسلامی در زمان «باقی» زندگی می‌کنیم و حقیقتی که انقلاب اسلامی در تاریخ ما وارد کرده و در ذیل نگاه قدسی در حال عبور دادن بشریت است از فرهنگ استکباری به حاکمیت مهدوی. نگاهی که شیعه در به میدان آمدن سقیفه داشت و سقیفه را همه‌ی اسلام ندانست. انقلاب اسلامی در «زمان باقی» با هدایت‌های رهبری عزیز «حفظه‌الله» راه‌هایی را گشوده که مذاکره با آمریکا به محاکمه با آمریکا تبدیل می‌شود و با روشن شدن قصد ایران در عدم داشتن تسلیحات اتمی، این آمریکا است که در جای متهم قرار می‌گیرد و انقلاب اسلامی یک گام جلو می‌رود. عنایت داشته باشید ماوراء تبلیغات غربی، متفکران جهان حرف انقلاب اسلامی را به خوبی می‌فهمند و این متفکران هستند که

راهنمای افکار مردمشان خواهند بود. اجازه بدهید از ذکر نمونه‌ها صرف نظر کنیم. موفق باشید